دو فصلنامه علمی تخصصی
اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر
سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

تحریف‌ناپذیری قرآن در تبیین آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم

مهدیه دهقانی قناتغستانی[۱]

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم در کتاب فی رحاب العقیدة شبههٔ باور شیعه به تحریف قرآن را پاسخ گفته و در کتاب خاتم النبیین، اقدامات پیامبرﷺ در راستای محافظت از قرآن و پیشگیری از تحریف آن را بررسی کرده است. در این پژوهش، با **روش** تحلیلی ـ توصیفی، دیدگاه‌های آیت‌الله حکیم در دو اثر یادشده بررسی و ویژگی‌های برجستهٔ روش استدلالی ایشان استخراج می‌شود. طبق **یافته‌ها**، نوشتار ایشان در این دو اثر، گرچه نسبت به کتاب‌های تخصصی در این باره مختصر و موجز است، اما در نوع خود دارای نکته‌سنجی‌ها و نوآوری‌هایی است که می‌تواند در پژوهش‌های آینده مورد مداقّه قرار گیرد. **نتیجه** اینکه بررسی دیدگاه آیت‌الله حکیم نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های او این است که علت اصلی عدم تحریف قرآن را نیک‌اندیشی و اهتمام پیامبرﷺ نسبت به قرآن می‌داند. ازنظر او، تلاش پیامبرﷺ در جهت نشر و آموزش عمومی قرآن و جلوگیری از انحصار آن در دست گروهی خاص، مهم‌ترین سبب عدم تحریف قرآن است؛ درحالی‌که بیشتر اندیشوران، تنها به استناد آیهٔ ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾، ارادهٔ الهی را علت صیانت قرآن دانسته و به نقش پیامبرﷺ توجهی نکرده‌اند.

واژگان کلیدی: عدم تحریف قرآن، اتهامِ باور به تحریف قرآن، روش رد اتهام، نقش پیامبرﷺ در عدم تحریف قرآن، آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم.

---

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ m.dehghani@khu.ac.ir.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

۱. مقدمه

در صد سال اخیر، دانشمندان و قرآن‌پژوهان بسیاری دربارهٔ «عدم تحریف قرآن کریم» سخن گفته و آثار پژوهشی ارزشمندی در این زمینه ارائه داده‌اند. نشان این پویش علمی، انتشار ده‌ها کتاب مستقل در این باره و یا مشتمل بر این بحث است (استادی، بی‌تا، ص۲۱۶ـ۲۹۹). نتیجه این تلاش‌ها آن است که امروز جوانب بحث تحریف‌ناپذیری قرآن کریم کاویده شده و روشن گردیده است. اما در میانِ این آثار متعدد و متنوع، آنچه به قلم آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم منتشر شده، محاسن ویژه خود را دارد و از ابعاد مختلف، ارزشمند و قابل‌توجه است. این پژوهش بر آن است که این ویژگی‌های ممتاز را با نگاهی تطبیقی بنمایاند و روشن سازد که نوشته‌های آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم در این باره دارای چه وجوه برتری و نوآوری‌هایی است؟ از چه ابعادی برای پژوهش‌های مشابه در آینده الگو محسوب می‌شود؟ نتیجه حاصل می‌تواند به پیشرفت و دقیق‌تر شدن مباحث مطرح در بحث عدم تحریف قرآن بیانجامد.

۲. پیشینه

پیشینه تحقیق در این باره را می‌توان بر دو بخش دانست:

الف) آثار پژوهشی که دربارهٔ آرا و دیدگاه‌های آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم نوشته شده است. ازجملهٔ این آثار می‌توان به مقالات زیر اشاره نمود:

- «ضوابط فقهی حل‌وفصل عشایری در فقه اجتماعی آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم و تطبیق آن با اصول عدالت ترمیمی»، احسان بابایی، پژوهش‌نامه فقه اجتماعی، اسفند ۱۴۰۱ش.
- «رأی السید محمدسعید الحکیم ﷺ فی مدالیل و أسانید أخبار (من بلغ) و تحلیله و مناقشته»، حمید الهی‌دوست، اصول فقه حوزه، بهار و تابستان ۱۴۰۲ش.
- «بررسی ماهیت حکم وضعی با تأکید بر نظر آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم ﷺ»، احمدرضا خسروی، اصول فقه حوزه، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش.
- «تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های سید حکیم و شهید صدر در مواجهه با تعارض ادله؛ مبانی نظری و راهکارهای عملی»، احمد سیلاوی، محسن تلخابی و داود حسن‌پور، پژوهش‌های اصولی، تابستان ۱۴۰۳ش.

ب) آثار پژوهشی که به بررسی دیدگاه قرآن‌پژوهان و مفسران در باب عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند. ازجمله این آثار می‌توان به مقالات زیر اشاره نمود:

- «جستاری در تحریف‌ناپذیری قرآن کریم؛ بررسی تطبیقی دیدگاه‌های سید قطب و رشید رضا»، زهرا نریمانی و آذر حسینی، مطالعات تفسیر تطبیقی، بهار و تابستان ۱۳۹۵ش.
- «صورت‌بندی ادله عالمان شیعه بر تحریف نشدن قرآن»، سیدمرتضی میرقیصری، علی‌الله بداشتی و امداد توران، پژوهش‌نامه امامیه، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ش.
- «ارزیابی تطبیقی مبنای تفسیری تحریف‌ناپذیری قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی»، سیدرضا مودب و جواد جمشیدی حسن‌آبادی، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ش.
- «بازخوانی مدافعانه از اندیشهٔ آخوند خراسانی در مسئله تحریف قرآن»، روح‌الله محمدعلی‌نژاد عمران، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، پاییز ۱۴۰۲ش.

۳. روش‌شناسی پژوهشی

در این پژوهش، با رویکرد تحلیلی ـ توصیفی، دیدگاه‌های آیت‌الله حکیم در دو اثر یادشده بررسی و ویژگی‌های برجستهٔ روش استدلالی ایشان استخراج می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

۱ ـ ۴. معرفی آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم

سیدمحمدسعید حکیم یا سیدمحمدسعید طباطبایی حکیم، از فقها و مراجع تقلید شیعه در عراق در سدهٔ اخیر است. وی در سال ۱۳۵۴ق برابر با ۱۳۱۴ش در شهر نجف به دنیا آمد. پدر او آیت‌الله سیدمحمدعلی طباطبایی حکیم، از استادان سطوح عالی حوزه، و مادرش فرزند مرجع شیعه، سیدمحسن طباطبایی حکیم بود. او خواهرزاده سیدمحمدباقر حکیم است.

سیدمحمدسعید حکیم از ده سالگی، یادگیری دروس حوزه را نزد پدرش آغاز کرد. از دیگر استادان وی می‌توان به پدربزرگش آیت‌الله سیدمحسن حکیم طباطبایی، آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی و آیت‌الله محمدحسین غروی اصفهانی نام برد. محمدسعید حکیم، خود از سن ۳۲ سالگی

تدریس دروس خارج فقه و اصول و نیز اخلاق و تفسیر را در حوزه آغاز کرد. وی در سال ۱۴۱۳ق، پس از درگذشت آیت‌الله خویی به مرجعیت رسید.

از او بیش از چهل کتاب و ده‌ها مقاله به چاپ رسیده است. محور اصلی آثار او در درجهٔ اول، فقه، اصول فقه و در درجه بعد، اعتقادات و تاریخ است. نکته شایان توجه دربارهٔ آثار وی این است که در برخی از آنها، مانند فی رحاب العقیده، المرشد المغترب و نامه‌ای پدرانه، دغدغه‌های اجتماعی و روز قابل مشاهده است.

سیدمحمدسعید حکیم در محرم ۱۴۴۳ق، برابر با شهریور ۱۴۰۰ق در اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفت و پس از تشییع در کربلا، در نجف اشرف به خاک سپرده شد. درگذشت وی که برجسته‌ترین مرجع پس از آیت‌الله سیستانی در عراق بود، با صدور وسیع پیام‌های تسلیت از سوی سران سیاسی و مذهبی در عراق و ایران همراه شد. از آن جمله، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله سیستانی و سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت ایران و برهم صالح، رئیس‌جمهور و مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق رحلت او را تسلیت گفتند.

۲ ـ ۴. تحریف‌ناپذیری قرآن در آثار آیت‌الله حکیم

آیت‌الله حکیم در باب تحریف، کتاب مستقلی ننوشته است، اما بحث از عدم تحریف قرآن کریم را می‌توان در دو اثر آیت‌الله حکیم یافت:

- نخست به شکل مبسوط در جلد اول کتاب في رحاب العقیدة، صفحات ۱۵۸ تا ۱۷۴. در این کتاب به اقتضای پاسخ به سؤال پرسشگری در موضوع تحریف، به این مسئله پرداخته شده است.
- دیگر به شکل اجمالی در کتاب خاتم النبیین، صفحات ۲۰۰ تا ۲۰۷. در این کتاب به اقتضای بحث دربارهٔ تلاش‌های پیامبرﷺ در جهت حفظ اسلام و برپا ماندن جامعهٔ اسلامی، به موضوع تلاش پیامبر برای حفظ قرآن کریم از تحریف و نابودی پرداخته شده است.

در ادامه، ویژگی‌های اندیشهٔ آیت‌الله حکیم در موضوع عدم تحریف قرآن کریم در هریک از این دو کتاب بیان می‌شود:

۳ ـ ۴. شاخصه‌های تحلیل‌های آیت‌الله حکیم در موضوع عدم تحریف قرآن در کتاب فی رحاب العقیدة

آیت‌الله حکیم بحث از عدم تحریف قرآن را در کتاب فی رحاب العقیدة در شش محور پیش برده و این شش محور را با شماره از یکدیگر متمایز کرده است. این شش محور عبارت‌اند از:

الف) فراگیر نبودن اتهام شیعه به تحریف در میان اهل‌سنت

ب) اجماع عملی شیعه و اهل‌سنت بر عدم تحریف

ج) نقل تصریح عالمان شیعه بر عدم تحریف قرآن

د) عدم قدرت روایات شیعه و اهل‌سنت بر اثبات تحریف قرآن کریم (و در ذیل آن، بحث دربارهٔ موضع‌گیری مناسب با قائلان به تحریف قرآن کریم)

هـ) تأکید بر عدم تحریف قرآن کریم (با استناد به آیات قرآن کریم)

و) مسئله جدید مهم در موضوع تحریف قرآن

درمجموع، تحلیل‌ها و مباحث ایشان در این شش محور را می‌توان دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌های زیر دانست:

۱ ـ ۳ ـ ۴. دامن نزدن به اختلاف شیعه و اهل‌سنت و پرهیز از نشر اختلاف

چنان‌که اشاره شد، شروع بحث دربارهٔ تحریف نشدن قرآن در کتاب فی رحاب العقیدة، از سؤال پرسشگری آغاز می‌شود.[۱] سؤال پرسشگر در این باره چنین است:

قضیة تحریف القرآن الذي ینسبه بعض أهل السنة للشیعة هل هذا صحیح نسبته لأهل الشیعة؟

همان گونه که مشاهده می‌شود، در این پرسش، پرسشگر صرفاً از تحریف شدن یا نشدن قرآن کریم یا دیدگاه شیعه در این باره سؤال نمی‌کند، بلکه او دربارهٔ صحت یا عدم صحت انتساب اعتقاد شیعه به تحریف قرآن کریم سؤال می‌کند؛ مسئله‌ای که از سوی اهل‌سنت طرح شده و به شیعه نسبت داده شده است. آیت‌الله حکیم در پاسخ به این سؤال که در فضای اختلافی

۱. ساختار کتاب فی رحاب العقیدة بر اساس نقل سؤالات پرسیده‌شده و پاسخ به آنها است و این مسئله به بحث دربارهٔ تحریف قرآن اختصاص ندارد. ازاین‌رو در روی جلد کتاب، عبارت «حوار مع سماحة المرجع الدینی...» درج شده است که نشان‌دهنده این است که آیت‌الله حکیم در این کتابِ سه جلدی، اساساً به پاسخ سؤالات اعتقادی مخاطب پرداخته‌اند.

درون‌دینی و مذهبی مطرح شده است، ضمن اثبات نادرستی چنین انتسابی، از ابتدا تا به انتهای سخن تلاش می‌کند جوّ نزاع و درگیری بین مسلمانان را اصطلاح نماید. برای مثال، نخستین جملاتی که آیت‌الله حکیم در پاسخ به این سؤال می‌نگارد بر این نکته دلالت دارد که این اتهام از سوی اهل‌سنت شایع و گسترده نیست و درنتیجه نباید همه اهل‌سنت را به طرح چنین اتهامی مواخذه نمود. سخن ایشان در آغاز کلام، چنین است:

> یحسن التعرض فی جواب ذلک لامور: ۱ـ من المناسب التنبیه إلی أمر. و هو أن رمی الشیعة بالقول بتحریف القرآن المجید لیس أمراً شایعاً عند جمهور السنة، بل نزه بعض أعلام المجهور الشیعةَ أعني الإمامیة العدلیة عن القول بذلک (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵، ج۱، ص۱۵۸).

همچنین آنگاه که آیت‌الله حکیم دلایل عدم تحریف قرآن را طرح می‌کند، به‌گونه‌ای آنها را طرح و از آنها نتیجه‌گیری می‌نماید که نشان دهد تحریف نشدن قرآن کریم، هم مورد قبول شیعه و هم مورد قبول اهل‌سنت است و در این باره بین شیعه و اهل‌سنت هم‌صدایی و توافق وجود دارد و به‌عبارت‌دیگر نباید به‌عنوان یک اختلاف بین شیعه و اهل‌سنت به این مسئله نگریست. در این راستا، ایشان پس از اشاره به سیرهٔ عملی مسلمانان دربارهٔ قرآن چنین بیان می‌کند:

> و هذا الإجماع العملي من أقوی الشواهد علی موقف المسلمین عموماً ـ شیعة و سنة ـ من القرآن المجید... و قد أقرّ بها المسلمون و عملوا علیها، و لم تقوَ الشبهات مهما کانت علی زعزعتها أو التشکیک فیها (همان، ص۱۶۰).

همچنین در این کتاب، بعد از آنکه به شکلی مبسوط آرای عالمان متقدم شیعه در عدم تحریف قرآن کریم نقل می‌شود و به آثار دانشمندان متأخر در اثبات عدم تحریف قرآن کریم اشاره می‌گردد، این حجم انبوه از محصولات علمی در شیعه در اثبات اندیشه عدم تحریف قرآن با داشته‌های علمی اهل‌سنت در این باره مقایسه می‌گردد و درحالی‌که نگاشته‌های علمی آنها در این باره نادر و اندک ارزیابی می‌شود، برادران مسلمان اهل‌سنت به اندیشهٔ تحریف قرآن متهم نمی‌گردند؛ بلکه بر اساس سیرهٔ عملی آنان، باوجود عدم اَسناد علمی در این باره، اهل‌سنت نیز به‌عنوان باورمندان به عدم تحریف قرآن معرفی می‌شوند. سخن آیت‌الله حکیم در این باره چنین است:

و ربما لايوجد في علماء السنة من صرح بعدم التحريف بهذا العدد الكثير، و لا من أتعب نفسه في الاستدلال عليه، بالنحو الذي جروا عليه من التحقيق و التفصيل. و إنما يعرف رأيهم من الإجماع العملي، الذي يشتركون فيه مع الشيعة، كما سبق (همان، ص۱۶۸).

همچنین آیت‌الله حکیم پس از آنکه به این نکته می‌پردازد که معتقد به تحریف، دچار خطایی علمی شده است و نباید او را تکفیر نمود، بیان می‌دارد:

و لذا لم يبلغ الاختلاف ـ بين الشيعة و قسم من السنة من جانب، مع القسم الثاني من السنة ـ في جزئية البسملة حدّ الطعن، فضلاً عن التكفير و إسقاط الحرمة. فلا القائل بجزئيتها يكفر القائل بعدم الجزئية، لأنه ينقص من القرآن، و لا القائل بعدم الجزئية يكفر القائل بالجزئية، لأنه يزيد في القرآن. كما أنه نسب لابن مسعود إنكار جزئية الموذتين من القرآن الشريف، و لم نعهد أن أحداً شنع عليه أو حكم بكفره لو صدقت النسبة المذكورة (همان، ص۱۶۹).

بدین‌ترتیب باید گفت که یکی از شاخصه‌های بحث آیت‌الله حکیم که اساساً از طرح یک اتهام از سوی اهل‌سنت به شیعه شروع می‌شود، تلاش در جهت رفع اختلاف است. به‌عبارت‌دیگر برای طرد و نفی این اتهام و مبرا دانستن شیعه از آن، آیت‌الله حکیم متوسل به اثبات باور به تحریف قرآن کریم توسط اهل‌سنت نمی‌شود؛ بلکه آنان را نیز به‌عنوان باورمندان به عدم تحریف قرآن کریم معرفی می‌کند.

نگاهی مشابه با این نگاه را می‌توان در کتاب البرهان علی عدم تحریف القرآن نیز ملاحظه نمود، ولی آیت‌الله حکیم با تمرکز بر بحث عدم تحریف قرآن و تبیین دیدگاه شیعه و اهل‌سنت در این باره به این موضوع می‌پردازد (ر.ک: رضوی، ۱۴۱۱، ص۱۴۱؛ خویی، بی‌تا، سراسر اثر و حیدری، بی‌تا، سراسر اثر).

۲ ـ ۳ ـ ۴. دفاع از کیان اسلام و مراقبت نسبت به ورود هجمه به دین

چنان‌که اشاره شد، آیت‌الله حکیم در خلال بحث عدم تحریف قرآن، تنها به دنبال این نیست که از شیعه در مقابل اهل‌سنت دفاع کند، بلکه در این بحث، نگاهی حزم‌اندیشانه و دورنگرانه دارد و متهم ساختن شیعه به اعتقاد به تحریف و یا در مقابله، متهم کردن اهل‌سنت به باور به

تحریف قرآن را نهایتاً به زبان اسلام معرفی می‌کند. ایشان بر این اعتقاد است که حتی اگر هریک از شیعه و اهل‌سنت در برابر این اتهام از خود دفاع کنند و ثابت نمایند چنین انتسابی درست نیست، دشمن مشترک، پاسخ آنان در رد اتهام را نمی‌شنود؛ بلکه به همان اتهام متوسل می‌شود و به بزرگنمایی آن می‌پردازد؛ به‌گونه‌ای که دیگر راهی برای حل مشکل باقی نمی‌ماند. آیت‌الله حکیم در بحثی قریب به سه صفحه، این مسئله را شرح می‌دهد و داشتن نگاه دوراندیشانه در این باره را یادآور می‌شود. بخشی از سخنان ایشان در این باره چنین است:

أما اتهام الشیعة بأنهم یقولون بتحریف القرآن الشریف، فهو لایضرّ بالشیعة وحدهم، بل یضرّ بالقرآن الکریم الذي هو کتاب المسلمین عامة، و معجزة الإسلام الخالدة، لأنه یسجل نقطة ضعف علیه،... (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵، ج۱، ص۱۷۲).

و در جایی دیگر از همین بحث بیان می‌کند:

و حتی لو دافع الشیعة عن اتهامهم بالقرآن بتحریف القرآن الشریف، و اثبتوا کذبه، فإن العدوّ المشترک لا یسمع ذلک منهم، و یبقی متشبثاً بالاتهام المذکور، و یحاول تضخیمه ما وجد له سبیلاً (همان، ص۱۷۳).

و درنهایت بیان می‌دارد:

وقلنا لهم: إن ظلم الشیعة و الطعن علیهم أهون من الطعن بالقرآن المجید و النیل من مقامه الرفیع (همان، ص۱۷۴).

همه این نقل‌قول‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که آیت‌الله حکیم در خلال مبرا دانستن شیعه از اتهام به باور به تحریف قرآن، فراتر از آن، درصدد محافظت از کیان اسلام است. ازاین‌رو به مخاطب می‌آموزاند که در حرکتی تقابلی و انفعالی، به دنبال اثبات وجود باور به تحریف قرآن در میان برادران اهل‌سنت بر نیایند؛ چه اینکه نتیجه این اثبات، چیزی سوءاستفاده دشمنان مشترک و اتهام باور به تحریف قرآن به کل مسلمانان نیست.

۳ـ۳ـ۴. رویکرد غیرتکفیری نسبت به معتقدان تحریف قرآن

یکی از ویژگی‌های قلم آیت‌الله حکیم، برخورد غیرتکفیری با باورمندان به تحریف قرآن کریم و آموزش این امر به خوانندگان است. آیت‌الله حکیم به شکلی مبسوط دربارهٔ معتقدان به تحریف

قرآن و نحوهٔ درست تعامل با آنان سخن می‌گوید. بخشی از سخنان آیت‌الله حکیم در این باره چنین است:

نعم لایحسن الإغراق في النیل ممن یذهب للتحریف، فإنهم و إن وقعوا في خطأ فادح، إلا أنه خطأ علمی یبتني علی الغفلة لا یسقط الحرمة، و لا یوجب کفراً. خصوصاً بعد اتفاقهم مع عامة المسلمین علی عدم الزیادة و عدم التحریف فیما هو موجود في المصحف الشریف ـ لتواتره أو بلوغه درجة الإعجاز ـ لما سبق من دعوی الإجماع علی عدم الزیادة (همان، ص۱۶۹).

بدین‌ترتیب آیت‌الله حکیم در ضمن بحثی مبسوط، دربارهٔ باورمندان به تحریف قرآن داوری می‌کند و به شکلی منطقی به مخاطب می‌آموزاند که داوری صحیح و درست دربارهٔ کسانی که تحریف قرآن را باور کرده‌اند چگونه است. این‌چنین اندیشه‌ورزی دربارهٔ باور به تحریف قرآن و نحوه تعامل با عالمانی که به تحریف قرآن کریم باورمند شده‌اند، عموماً در کتاب‌هایی که دربارهٔ تحریف قرآن کریم بحث کرده‌اند دیده نمی‌شود (خویی، بی‌تا، سراسر اثر؛ حیدری، بی‌تا، سراسر اثر و حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۶، سراسر اثر).

۴ ـ ۳ ـ ۴. استناد به «سیرهٔ علمی و عبادی مسلمانان» به‌عنوان شاهد باور به عدم تحریف

شیخ صدوق در هنگام سخن دربارهٔ باور شیعه به عدم تحریف قرآن کریم اذعان می‌نماید که شیعه به قرآن موجود و آنچه آن روز بین الدفّتین بوده است ایمان دارد و قرآن از نگاه شیعه همان است که در دست مردم است و نه چیزی بیشتر از آن.

اعتقادنا أنّ القرآن الذي أنزله الله تعالی علی نبیّه محمد ﷺ هو ما بین الدّفّتین، وهو ما في أیدی الناس، لیس بأکثر من ذلک (صدوق، ۱۳۸۷، ص۹۰).

این سخن شیخ صدوق (م۳۸۱ق)، پس از ایشان در قلم صاحب‌اندیشان دیگر، همچون شیخ مفید (م۴۱۳ق) و سید مرتضی (م۴۳۶ق) و شیخ طوسی (م۴۶۰ق) منعکس شده است (مفید، ۱۴۱۳، ص۸۱ـ۸۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ص۸۴ و طوسی، بی‌تا، ص۳). آیت‌الله حکیم این سخن شیخ صدوق را به‌سان یک استدلال، دلیل و شاهد به‌گونه‌ای دیگر مطرح و تصریح می‌نماید که ریشه بیان ایشان، سخن پیش‌گفته شیخ صدوق است.

آیت‌الله حکیم در بیان این استدلال، آن را تحت عنوان «اجماع عملی مسلمانان بر قرآن موجود» مطرح می‌نماید و بر این نکته تأکید می‌کند که هم شیعه و هم اهل‌سنت در عمل در مسائل «علمی» و «عبادی» به یک قرآن اعتقاد دارند و قرآن پذیرفته‌شده از سوی آنان یک قرآن است و نوع تعامل آنها با قرآن موجود به‌گونه‌ای است که باور آنها به عدم تحریف آن را نشان می‌دهد و اثبات می‌نماید. آیت‌الله حکیم پس از نقل کامل سخنان شیخ صدوق در اثبات عدم تحریف قرآن، در تبیین علت نقل کامل سخنان شیخ صدوق بیان می‌دارد:

الأول: ما تضمنه من الاستدلال على ما ادعاه بما يناسب ما سبق منا في تقريب الإجماع العملي من المسلمين على عدم التحريف، و هو ترتيب الشيعة أثر القرآن التام على ما في المصحف، في ختمه، و قرائة سوره، و غير ذلک (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵، ج۱، ص۱۶۲).

به‌این‌ترتیب آیت‌الله حکیم اولین علت نقل کامل سخنان شیخ صدوق را این نکته می‌داند که این سخنان استدلالی که پیش‌ازاین، ایشان بدان اشاره کرده‌اند را دربردارد. پیش‌ازاین، آیت‌الله حکیم دقیقاً «همگرایی عملی» مسلمانان در نحوه تعامل با قرآن را مورد توجه قرار داده و بر روی آن متمرکز شده بود تا از این رهگذر اثبات کند که عمل مسلمانان، از هر گروه و فرقه‌ای که باشند، باور آنان به عدم تحریف قرآن کریم را نشان می‌دهد و آن را اثبات می‌کند. اکنون و در راستای همین استدلال، آیت‌الله حکیم بیان می‌دارد که فراتر از اجماع عملیِ قابل مشاهده در بین مسلمانان، علمای شیعه نیز به تأیید قرآن موجود پرداخته‌اند. درنهایت آنکه اهتمام عملی شیعه، اعم از علما و مردم عادی به مصحف موجود نشان‌دهنده باور عمومی آنان به عدم تحریف قرآن کریم است. به‌عبارت‌دیگر، این مسئله که آنان فراتر از سخن، در عمل تمام «اعمال دینی» و «مباحث علمی» مرتبط با قرآن را بر اساس همین قرآن موجود و نه کتابی دیگر و نه صرفاً بخشی از آن انجام می‌دهد و پیش می‌برند، شاهد و دلیل باور آنان به عدم تحریف قرآن کریم است. این شکل توجه ویژه به شیوه علمی تعامل عموم مردم و نیز علما با قرآن کریم و آن را به‌سان یک دلیل بر اثبات باور عمومی شیعه و اهل‌سنت اقامه کردن، در سخنان دیگر اندیشورزان، بدین شکل مشاهده نمی‌شود (ر.ک: حسینی میلانی، ۱۴۲۹؛ سراسر اثر و جعفریان، ۱۳۸۲، سراسر اثر).

۵ ـ ۳ ـ ۴. نقل دقیق آرا و اشاره به مسلک علمی قائلان سخن

یکی از نقاط قوت سخن آیت‌الله حکیم در اثبات باور شیعه به عدم تحریف قرآن کریم، نقل دقیق آرای بزرگان شیعه در باب عدم تحریف قرآن کریم است. ایشان بدون هیچ دخل و تصرفی و به ترتیب تاریخی، به نقل دقیق سخنان بزرگان شیعه می‌پردازد و از این رهگذر آینه‌ای کامل از اندیشه شیعه در طول تاریخ را پیش روی خواننده و پژوهشگر می‌نهند. این نقطه قوتی است که عموماً در کتاب‌های نوشته‌شده در ارتباط با عدم تحریف قرآن کریم دیده نمی‌شود؛ بلکه بعضی اندیشورزان دیگر، به بخش بخش کردن و یا گزینش سخنان عالمان پیشین پرداخته و یا سخنان آنان را نقل به معنا نموده‌اند و گرچه این روش در جای خود مزایایی دارد، اما خواننده را در یک جا و کامل دیدن اندیشه‌ورزی‌های پیشنیان کمک و همراهی نمی‌کند.

همچنین آیت‌الله حکیم آنگاه که به نقل آرای علما در موضوع عدم تحریف قرآن کریم می‌پردازد، نکته‌سنجانه به مسلک عملی آنان نیز اشاره می‌کند تا بدین وسیله نشان دهد عالمان امامی‌مذهب باوجود مسلک‌های علمی مختلف، مثل اخباری یا اصولی بودن، در مسئله عدم تحریف قرآن کریم متفق القول هستند و به‌واسطه پایه‌ریزی اعتقادات بر اساس حدیث یا عقل، به نتیجه‌ای غیر از عدم تحریف قرآن کریم نرسیده‌اند.

برای مثال، آیت‌الله حکیم قبل از نقل سخن شیخ صدوق، به معرفی مسلک علمی ایشان می‌پردازد و دربارهٔ وی می‌گوید: و هو من قدماء علماء الشیعه، و زعیم مدرسة قم، و شیخ أهل الحدیث (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵، ج۱، ص۱۶۱). یا دربارهٔ شیخ مفید گوید: و هو من قدماء الأصحاب أیضاً، و زعیم مدرسة بغداد و شیخ أهل الاجتهاد و النظر(همان، ص۱۶۳). به همین شکل، او سید مرتضی را «مشیخة اهل النظر و الاجتهاد» و شیخ طوسی را با تعبیر «و هو یجمع فی عصره بین مشیخة أهل الحدیث و مشیخة اهل الاجتهاد و النظر» معرفی می‌نماید (همان، ص۱۶۴ و ۱۶۶).

در این راستا آیت‌الله حکیم به اشاره به مسلک علمی علما و واگذار کردن تحلیل اقوال بر این مبنا به مخاطب بسنده نمی‌کند؛ بلکه ایشان گاه توجه مخاطب را به این نکته به شکلی صریح جلب می‌کند و از مخاطب می‌خواهد که در این مسئله اندیشه و درنگ نماید که قائل و گوینده این سخن دارای چه گرایش فکری است و حتی گاه بر اساس مسلک علمی گویندهٔ سخنی،

استدلالی پسینی را صورت می‌بندد و نتیجه‌ای جدید می‌گیرد. برای مثال پس از نقل سخنان شیخ صدوق گوید:

> ومن المهم جداً صدور مثل هذا التأويل من الصدوق ﷺ، الذي هو من قدماء الأصحاب المقاربين لعصور الأئمة (صلوات الله عليهم)، و من شيوخ أهل الحديث كما سبق. حيث يناسب ذلک كون هذا التأويل معروفاً بين الشيعة في عصورهم الأولى و مقبولاً عندهم، و عند أهل الحديث منهم بالخصوص. و ليس هو من تخرصات المتأخرين. و لعل هذا هو الوجه في رواية القدماء لتلک الروايات من دون أن يكونوا قائلين بالتحريف و النقص (همان، ج۱، ص۱۶۳).

در تحلیل فوق، آیت‌الله حکیم به تقدم زمانی اندیشور قائل به عدم تحریف قرآن و نزدیکی زمان زندگی او به دورهٔ حضور معصومین ﷺ و درنتیجه به روایات آنان اشاره می‌کند، و در ادامهٔ آن، به این نکته توجه می‌دهد که شیخ صدوق از بزرگان «محدث» است و اساساً شخصی مانند شیخ صدوق که دسترسی وسیعی به حدیث دارد و علاوه بر آن، اندیشهٔ خود را بر اساس حدیث می‌سازد و از چهارچوب حدیث پا فراتر نمی‌نهد، قائل به عدم تحریف قرآن کریم است. به‌عبارت‌دیگر، او که روایات تحریف‌نما را نقل کرده، خود به‌گونه‌ای در آن عصر و در زمان نزدیک به دوره حضور اهل‌بیت ﷺ آنها را می‌فهمیده که آنها را دال بر تحریف شدن قرآن کریم تلقی نمی‌کرده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۹، ص۶۴ـ۸۷؛ مرعشی، ۱۳۸۲، سراسر اثر و نجارزادگان، ۱۳۸۴، سراسر اثر).

۶ـ۳ـ۴. معرفی منابع متأخر

آیت‌الله حکیم در باب عدم تحریف قرآن، تنها به معرفی منابع متقدم شیعه بسنده نمی‌کند، بلکه دایره‌ای نسبتاً گسترده از منابع متأخر را که در تأیید عدم تحریف قرآن نوشته شده‌اند معرفی می‌نماید. این مسئله در راستای این امر صورت می‌گیرد که نشان دهد نه‌تنها در بین متقدمان شیعه، بلکه در بین متأخران، علمای متعدد به نگارش در اثبات عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند و در دورهٔ اخیر نیز عالمان متأخر با عالمان متقدم هم‌رای و نظر هستند (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۵، ج۱، ص۱۶۷). شایان ذکر است برخی محققان دیگر نیز به گردآوری و معرفی آثار متأخرین در کنار آثار متقدمین در موضوع تحریف‌ناپذیری قرآن کریم همت گماشته‌اند (نجارزادگان، ۱۳۸۴، ص۱۷۲). در

این میان، اثر آیت‌الله حکیم با نقل کامل و دقیق عین سخن اندیشمندان پیشین شیعه و اشاره به آثار دانشوران متأخر شیعه، دارای روشی بدیع به شمار می‌رود که در عین اختصار، حق مطلب را ادا کرده است.

۷ ـ ۳ ـ ۴. نوآوری در رد اتهام به شیعه

آیت‌الله حکیم در راستای رد اتهام به شیعه و اثبات اعتقاد شیعه به عدم تحریف قرآن کریم، از دلیل و طریقی بدیع و جدید استفاده می‌نماید که پیش از ایشان، توسط دیگر اندیشوران و محققان مورد استفاده قرار نگرفته است. این دلیل جدید که درواقع، استفاده از جدال احسن محسوب می‌شود، بر اساس سخن ابن‌حزم (م۴۵۶ق) شکل گرفته است. توضیح آنکه آیت‌الله حکیم که در پاسخ به سؤال اصلی این بحث، یعنی اتهام شیعه به باور به تحریف قرآن کریم، به سابقه این اتهام اشاره می‌نماید و بیان می‌دارد که سابقه این اتهام، به ابن‌حزم بازمی‌گردد و همو در ضمن اتهام، از میان امامیه، سید مرتضی را از این باور مبرا معرفی می‌کند. اکنون بنگرید آیت‌الله حکیم پس از نقل سخن ابن‌حزم چگونه با جدال احسن اثبات می‌نماید که نه فقط سید مرتضی، بلکه همه شیعه امامیه، از باور به تحریف قرآن مبرا هستند. ایشان پس از نقل سخن ابن‌حزم بیان می‌دارد:

> ومن الملفت للنظر ما نسبه ابن‌حزم للسيد المرتضى ﷺ من تكفير من يقول بتحريف القرآن، إذ هل من المعقول أن يصدق ابن‌حزم في نسبة القول بالتحريف لعموم الشيعة، و يقدم السيد المرتضى ﷺ ـ و هو من أعلام الشيعة الذابين عنهم ـ على تكفير القائل بالتحريف؟! (همان، ج۱، ص۱۶۵).

بدین‌ترتیب آیت‌الله حکیم سخن ابن‌حزم را مورد بازخوانی دقیق قرار می‌دهد و در تحلیل سخن او بیان می‌دارد که چگونه ممکن است از یک‌سو امامیه قائل به تحریف قرآن باشند و سید مرتضی نیز از علمای امامیه باشد، و از سوی دیگر، همو یعنی سید مرتضی قائلان به تحریف قرآن را تکفیر کند. این سخن به این معنی است که سید مرتضی هم‌مسلکان خویش، یعنی امامیه را تکفیر نموده است. پس این تکفیر سید مرتضی دال بر آن است که هم‌مسلکان او نیز اعتقاد به تحریف قرآن ندارند.

چنان‌که بیان شد، این استدلال در کتاب‌هایی که به بحث از عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند دیده نمی‌شود و این نکته‌سنجی را در کلام هیچ‌یک از علمای قبل از آیت‌الله حکیم نمی‌بینیم (خویی، بی‌تا، سراسر اثر؛ مرعشی، ۱۳۸۲، سراسر اثر؛ رضوی، ۱۴۱۱، سراسر اثر و نجارزادگان، ۱۳۸۴، سراسر اثر).

۴ـ۴. شاخصه‌های تحلیل‌های آیت‌الله حکیم در موضوع عدم تحریف قرآن در کتاب خاتم النبیین ﷺ

فصل دوم کتاب خاتم النبیین با عنوان «فی جهود النبی ﷺ لصالح الإسلام الحق» به موضوع تلاش‌های پیامبر گرامی ﷺ در جهت مصالح اسلام می‌پردازد. در این فصل، آیت‌الله حکیم به اقتضای سخن دربارهٔ تلاش‌های حضرت در ارتباط با آیندهٔ جامعهٔ اسلامی، به مسئلهٔ تلاش پیامبر ﷺ در راستای «حفظ قرآن کریم» می‌پردازد. درواقع از نگاه آیت‌الله حکیم، قرآن، همتراز اصل توحید و هم‌پایه سنت و آثار عملی ایمان به غیب، ضامن عدم بازگشتِ جامعه به‌سوی بت‌پرستی و شرک است. ازاین‌رو پیامبر گرامی ﷺ برای محافظت از جامعه در برابر خطرات آینده، در جهت حفظ قرآن کریم از نابودی تلاش نموده‌اند. بنابراین، سخن دربارهٔ عدم تحریف قرآن در کتاب خاتم النبیین، بحثی فرعی به شمار می‌رود و به اقتضای سخن دربارهٔ تلاش‌های پیامبر در جهت مصالح آیندهٔ جامعهٔ اسلامی، به تلاش‌های پیامبر ﷺ برای حفظ و عدم تحریف قرآن کریم و نیز ویژگی‌هایی از خود قرآن کریم که به محقق شدن این مسئله کمک رسانیده پرداخته است.

بحث‌ها و تحلیل‌های آیت‌الله حکیم مرتبط با این موضوع و تحت عنوان «ثانیها: حفظه للقرآن من الضیاع و التحریف» (طباطبایی حکیم، ۱۴۴۲، ص۲۰۰) دارای ویژگی‌ها و خصوصیات زیر است:

۱ـ۴ـ۴. تبیین نقش فعال پیامبر ﷺ در جلوگیری از تحریف قرآن

چنان‌که از عنوان بحث نیز پیداست، اساساً محوریت اصلی سخن در این بخش از کتاب آیت‌الله حکیم، تبیین تلاش‌های پیامبر ﷺ در «از بین بردن اسباب تحریف قرآن» است. درواقع در این بحث، از یک‌سو قرآن به‌عنوان ثقل و ضامن هدایت جامعه دانسته می‌شود و از سوی دیگر، رخداد «تحریف قرآن» به مثابه باز بودن راه برای بازگشت جامعه به شرک و ضلالت معرفی می‌گردد و براین‌اساس تلاش‌های پیامبر ﷺ برای حفظ جامعه ازطریق جلوگیری از تحریف قرآن تبیین می‌شود.

نکته ویژه و حائز اهمیت در این بحث آن است که ریشهٔ جلوگیری از تحریف قرآن، به دورهٔ حضور وجود مبارک پیامبرﷺ و تلاش ایشان در نشر قرآن نسبت داده می‌شود. به این معنا که پیامبر گرامیﷺ، خود به‌خوبی از نقش پررنگ و هدایتگر قرآن در آیندهٔ جامعهٔ اسلامی واقف بوده و بنابراین به‌خوبی می‌دانسته‌اند که باید اسباب تحریف قرآن کریم را از بین برد و ریشه‌کن نمود. ازاین‌رو ایشان آگاهانه برای از بین بردن اسباب تحریف، اقدام جدی نموده‌اند. درنتیجه، مسئلهٔ عدم تحریف قرآن، مسئله‌ای اتفاقی و بدون تمهیدات لازم از سوی پیامبرﷺ نبوده است؛ بلکه اساس و ریشهٔ این امر عظیم الهی، به آگاهی پیامبرﷺ نسبت به جایگاه قرآن در آیندهٔ جامعهٔ اسلامی و تلاش ایشان در راستای جلوگیری از ضایع و نابود شدن قرآن بازمی‌گردد (همان، ص۲۰۰ـ۲۰۷).

توجه به نقش فعال و اثرگذار پیامبرﷺ در جلوگیری از تحریف قرآن در سخن آیت‌الله حکیم در حالی دیده می‌شود که دیگر قرآن‌پژوهان و مفسران، در موضوع تحریف‌ناپذیری قرآن، از تبیین این نقش غفلت نموده‌اند و عموماً با تاکید بر آیات دال بر تحریف‌ناپذیری قرآن مانند ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹) و ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت: ۴۲)، بر بُعد الهی بودن تحریف‌ناپذیری قرآن تاکید کرده و آن را برجسته ساخته‌اند (بلاغی، بی‌تا، ج۱، ص۲۶؛ سید قطب، ۱۴۰۸، ج۲، ص۲۱۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۵۲، ج۱۲، ص۱۰۱؛ فضل‌الله، ۱۴۳۹، ج۱۰، ص۱۶۳؛ کورانی، بی‌تا، ص۱۵۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ص۳۶؛ اسکندرلو، ۱۳۹۰، ص۱۸۰ و طاهری، ۱۳۸۵، ص۹۱).

۲ـ۴ـ۴. عدم انحصار قرآن در دست عده‌ای خاص، عامل اصلی عدم تحریف قرآن

نکته ویژه و مهمی که آیت‌الله حکیم در این بحث بدان می‌پردازد، معرفی مسئله «عدم انحصار قرآن در دست عده‌ای خاص»، به‌عنوان عامل اصلی عدم تحریف قرآن کریم است. آیت‌الله حکیم در راستای تبیین مساعی پیامبر گرامیﷺ به این نتیجه می‌رسد که در اثر این تلاش‌ها و مساعی، واقعه عظیم و شگرفی اتفاق افتاد و آن امر مهم و اثرگذار در تحولات آینده، اشراف همگان در اقطار مختلف جهان اسلام نسبت به محتوای قرآن کریم بود و این اشراف همگانی، همان عامل اصلی و اثرگذاری بود که در عمل، در مقابل هرگونه تحریف و دگرگونی ایستاد و سبب صیانت از قرآن گردید.

تبییـن این عامل از نگاه آیت‌الله حکیم این‌چنین اسـت کـه اگرچه قرآن کریم به‌تدریج نازل می‌شـد و گرچه جامعه عرب آن روز، کمترین میزان آشـنایی با کتابت و نگارش را داشـتند، ولی با تلاش‌های پیامبرﷺ قرآن در سراسـر جهان اسـلام رایج گردید و این مسـئله موجب شـد که قرآن به‌سـان دیگر کتاب‌های آسـمانی، در دسـت عده‌ای خاص، محدود و محصور نگردد و درنتیجه، اسباب تحریف آن و نزاع داخلی بر سر محتوای آن در امت مسلمان اساساً منتفی شود. بخشی از سخن آیت‌الله حکیم در این باره چنین است:

... إلا أن النبي ﷺ قد تدارک ذلک. حیث جدّ واجتهد فی نشره بین جمهور المسلمین. فکلما أسـلمت مدینة أو قبیلة أو جماعة معتدّ بها أرسـل إلیهم من یقرؤهم القرآن، و یحملهم علی حفظه. و إذا أسلم شخص أو أشخاص قلیلون أمر بتعلیمهم القرآن (همان، ص۲۰۰ـ۲۰۱).

و در بخشی دیگر گوید:

ولم ینفـرد بقرائتـه وحفظـه الخاصـة، لیقتصـر بیانهـم لـه عـلی مـا یتناسـب مـع مصالحهم وأهدافهم، أو تسمح به الظروف الخاصة بهم وتسعه قدرتهم. ویترض بذلک القرآن المجید للاختلاف والتحریف و التشویه (همان، ص۲۰۱).

و نیز در این باره گوید:

وعلی کل حال لم یفارق النبي ﷺ المسـلمین، و ینتقل للرفیق الأعلی، إلا والمسـلمون مؤمنون بالقرآن المجید بأجمعه، متفقون علیه بمادته و هیئته... (همان، ص۲۰۵).

ایـن تحلیـل از عامـل عدم تحریف قـرآن کریم، حقیقتـی انکارناپذیر و درعین‌حـال مهم و با حداکثـر میـزان اثرگذاری اسـت که پیش‌ازاین، در کلام و قلم اندیشـوران مورد توجـه و تبیین قرار نگرفته اسـت (ر.ک: حسـینی میلانی، ۱۴۲۹، ص۶۰) و طرح این مسـئله در آثار آیت‌الله حکیم، نکته‌ای برجسته و حائز اهمیت است.

۳ ـ ۴ ـ ۴. ویژگی‌های محتوایی قرآن؛ کمک‌کننده به عدم تحریف قرآن

یکـی دیگـر از نـکات مـورد توجـه آیـت‌الله حکیـم در مسـئله عـدم تحریـف قـرآن کریـم، توجه به ویژگی‌های محتوایی قرآن کریم است. این مسئله پیش‌ازاین، در آثار محققان دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است، ولی آیت‌الله حکیم این ویژگی را با مسئله سنت و حدیث نبوی مقایسه می‌نماید

و به این نتیجه می‌رسد که این ویژگی‌هاست که سبب شده با قرآن کریم، به‌سان سنت رسول خدا ﷺ تعامل نگردد و مردمانی درصدد حذف، و نهان کردن آن کمر همت نبندند و انگیزه‌های تحریف آن قوت نگیرد. بخش‌هایی از سخن آیت‌الله حکیم در این باره چنین است:

وأعانه على ذلک واقع القرآن المجيد، حيث لم يتضمن التصريح بالعقائد الحقة ـ كإمامة أمير المؤمنين وولده (صلوات الله عليهم) بأسمائهم، و نفاق بعض الأشخاص كذلک... (طباطبایی حکیم، ۱۴۴۲، ص۲۰۲)؛

... ويكون محفزاً لهم على إبعاد القرآن عن جمهور المسلمين، والتحجير عليه بتعيين أشخاص خاصّين لإقرائه، ومنعهم من إقراء ما ينافي أهدافهم، أو غير ذلک من طرق التحجير، كما حصل منهم مع السنة الشريفة... (همان)... كما أن السطة استفادت بعد النبي ﷺ من قرائة القرآن الكريم لملء الفراغ الذي تسبب عن منعها من نشر الثقافة الدينية عن طريق نشر السنة النبوية الشريفة، و بيان سيرة النبي ﷺ العطرة (همان، ص۲۰۳).

۴ ـ ۴ ـ ۴. شکل تعامل بعدی مسلمانان با قرآن؛ حاصل عدم تحریف قرآن

از نگاه آیت‌الله حکیم، عدم تحریف قرآن کریم، در جامعه مسلمان نتایج و آثاری را در پی داشته است. ازجمله این آثار و نتایجی که آیت‌الله حکیم بدان اشاره می‌کند، موارد ذیل است:

الأول: أن القرآن المجيد بقي بعد النبي ﷺ بأسلوبه الإعجازي وبلاغته الفريدة حجة لنبوته ﷺ و دليلاً على صدقه.

الثاني: أنه بقي مرجعاً لأمته من بعده في أصول الدين العقائدية و أحكامه العملية، لايختلفون في وجوب اتباعه، و إن اختلفوا في تفسيره وتاويله (همان، ص۲۰۶).

آیت‌الله حکیم جز دو مورد بالا، به آثار و نتایج دیگر عدم تحریف قرآن کریم نیز اشاره می‌کند، اما در اینجا به اقتضای سخن دربارهٔ عدم تحریف قرآن، به این دو موضوع که در جای خود می‌توانند به‌عنوان نشانه‌ها و امارات عدم تحریف قرآن کریم تلقی گردند اشاره شد. درواقع چنان‌که پیشتر آمد، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های عدم تحریف قرآن کریم ازنظر آیت‌الله حکیم، نوع تعامل عملی مسلمانان با این متن مقدس است. براین‌اساس، دو مورد بالا که به‌نوعی تعامل عملی ـ علمی مسلمانان با قرآن کریم به شمار می‌رود، از یک‌سو «حاصل» و از سوی دیگر،

«نشانه و اماره» عدم تحریف قرآن کریم است. چه اینکه استدلال مسلمانان در طول تاریخ به قرآن کریم، برای اثبات نبوت حضرت و راست‌گویی ایشان و نیز مراجعه عملی به قرآن کریم در مسائل اعتقادی و احکام و لازم دانستن اطاعت و پیروی از آن، نشان آن است که مسلمانان در عمل، به عدم تحریف قرآن کریم باور داشته‌اند و بر آن اختلافی ندارند.

۵. نتیجه‌گیری

باوجود آنکه مباحث مربوط به عدم تحریف قرآن کریم، در آثار آیت‌الله حکیم مبسوط و پرحجم نیست، اما بااین‌حال در سخنان ایشان در این باره، نکات ویژه و قابل‌توجه وجود دارد که از یک‌سو رجوع به آنها را برای محققان، شایسته و لازم می‌نماید و از سوی دیگر می‌تواند به‌سان الگویی موفق در طرح مباحث عدم تحریف قرآن کریم مورد استفاده قرار گیرد.

ویژگی‌های متمایزکننده نوشتار آیت‌الله حکیم در ارتباط با مسئله عدم تحریف قرآن کریم، در سه محور «ویژگی‌های محتوایی»، «ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی» و «ویژگی‌های روش‌شناختی»، به شکل زیر قابل طرح و توجه است:

- ویژگی‌های محتوایی مباحث آیت‌الله حکیم: بررسی محتوای مباحث تحریف‌ناپذیری در کلام آیت‌الله حکیم، نشان‌دهندهٔ بیان نوآورانه ایشان از دلایل و شواهد عدم تحریف قرآن است. محورهای این نوآوری را می‌توان به شکل زیر برشمرد:

الف) تبیین نقش فعال پیامبرﷺ در جلوگیری از تحریف قرآن؛

ب) معرفی عدم انحصار قرآن در دست عده‌ای خاص به‌عنوان عامل اصلی عدم تحریف قرآن؛

ج) معرفی ویژگی‌های محتوایی قرآن به‌عنوان عامل کمک‌کننده به عدم تحریف قرآن و مقایسه محتوای قرآن با روایات نبوی که به اشکال مختلف دستخوش تحریف شده است؛

د) معرفی نحوهٔ تعامل بعدی مسلمانان با قرآن به‌عنوان شاهدی بر عدم تحریف قرآن؛

هـ) نوآوری در رد اتهام به شیعه.

دو فصلنامه علمی تخصصی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

- ویژگی‌های اجتماعی ـ سیاسی مباحث آیت‌الله حکیم: قلم و بیان آیت‌الله حکیم در طرح مباحث عدم تحریف قرآن، همواره باتوجه‌به مسائل اجتماعی و سیاسی بوده است. محورهای ذیل نشان‌دهندهٔ چنین توجه و حزم‌اندیشی است:

الف) دامن نزدن به اختلاف شیعه و اهل‌سنت و پرهیز از نشر اختلاف؛

ب) دفاع از کیان اسلام و مراقبت نسبت به ورود هجمه به دین؛

ج) برخورد مناسب با معتقدان به تحریف قرآن.

- ویژگی‌های روش‌شناختی مباحث آیت‌الله حکیم: نوشتار آیت‌الله حکیم به لحاظ روش‌شناختی، مبتنی بر دو محور زیر است:

الف) نقل دقیق آرا، همراه با اشاره به مسلک علمی قائلان سخن؛

ب) معرفی منابع متأخر.

بازخوانی و توجه به همه موارد فوق در اندیشه‌های آیت‌الله حکیم ارزشمند است، ولی از میان آنها، برخی به شکلی خاص‌تر شایسته توجه و بازخوانی است. ازجمله موارد ویژه در سخنان ایشان می‌توان به مسئله اقدامات پیامبرﷺ در جهت مقدمه‌چینی برای تحریف نشدن قرآن کریم و در این راستا، معرفی عدم انحصار قرآن در دست عده‌ای خاص به‌عنوان عامل اصلی عدم تحریف قرآن اشاره کرد. علاوه بر این، بیان نوآورانه دلایل و شواهد پیشین در بیان آیت‌الله حکیم، شایسته توجه است؛ به‌گونه‌ای که ایشان مهم‌ترین دلیلِ باور به عدم تحریف قرآن کریم را سیره عملی مسلمانان، اعم از شیعه و اهل‌سنت و اعم از عالم و عامه، در تعامل «علمی» و «عبادی» با قرآن کریم معرفی کرده است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

الف) فارسی

۱. استادی، کاظم (بی‌تا)، کتاب‌شناسی عدم تحریف قرآن، تهران: سازمان حج و زیارت.

۲. اسکندرلو، محمدجواد (۱۳۹۰ش)، اعجاز قرآن و مصونیت از تحریف، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.

۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۲ش)، افسانه تحریف قرآن، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

۴. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۶ش)، قرآن هرگز تحریف نشده، قم: قیام.

۵. طاهری خرم‌آبادی، حسن (۱۳۸۵ش)، عدم تحریف قرآن، قم: بوستان کتاب.

۶. فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۸۱ش)، دفاع از حریم قرآن، قم: عقل سرخ.

۷. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹ش)، تحریف‌ناپذیری قرآن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۸. نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۴ش)، تحریف‌ناپذیری قرآن، تهران: نشر مشعر.

ب) عربی

۱. بلاغی، محمدجواد (بی‌تا)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: وجدانی.

۲. حسینی میلانی، سیدعلی (۱۴۲۹ق)، التحقیق في نفي التحریف عن القرآن الشریف، قم: الحقائق.

۳. طباطبایی حکیم، سیدمحمدسعید (۱۴۲۵ق)، فی رحاب العقیدة؛ حوار مع سماحة المرجع الدینی الکبیر، نجف: دار الهلال.

۴. ــــــــــ، (۱۴۴۲ق)، خاتم النبیین، نجف: دار الهلال.

۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۲ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.

۷. طوسی، محمدبن‌حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۸. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۳۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملاک للطباعة و النشر و التوزیع.

۹. کورانی، علی (بی‌تا)، تدوین القرآن، قم: دار القرآن الکریم.

۱۰. مرعشی، سیدشهاب‌الدین (۱۳۸۲ش)، القول الفاصل فی الرد علی مدعی التحریف، قم: مکتبة آیة‌الله العظمی المرعشی النجفی ﷺ.

۱۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، المسائل السرویة، تحقیق: صائب عبدالحمید، قم: کنگره شیخ مفید.